

۲۹۸۱۹۱۰
بسم الله الرحمن الرحيم

مجموعه داستان‌های کوتاه شاهکار

(۱۲)

داستان کوتاه نامه چهار داستان دیگر

نوشته آنتوان چخوف

ترجمه: تیمور قادری

سرشناسه

: چخوف، آنتون پاولوویچ، ۱۸۶۰ - ۱۹۰۴ م.

Pavlovich Chekhov, Anton

عنوان و نام پدیدآور

: داستان کوتاه نامه و چهار داستان دیگر/ نوشته آنتوان چخوف؛ گردآوری و

ترجمه [صحیح: ترجمه] تیمور قادری.

مشخصات نشر

: تهران: مهتاب، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهری

: ۸۰ ص.

فرو

: مجموعه داستان‌های کوتاه شاهکار؛ ۱۲.

شابک

: ۳-۰۵۳-۱۵۱-۶۰۰-۹۷۸

ورعیت فهرست نه‌سی : فبیا

یادداشت : کتاب حاضر گردآوری و ترجمه از آثار مختلف «آنتوان چخوف» است.

موضوع

: داستان‌های کوتاه روسی -- قرن ۱۹ م.

موضوع

Short stories, Russian ۱۹th century

شناسه افزوده

: قادری، تیمور، ۱۳۳۷ - مترجم

رده‌بندی کنگره

: ۱۳۲/۲۵/۳۴۰

رده‌بندی دیویی

: ۷۳/۸۹۱

شماره کتابشناسی ملی

: ۵۱۶۸۲۹۶

نام کتاب: داستان کوتاه نامه و چهار داستان دیگر

نویسنده: آنتون چخوف

گردآوری و ترجمه: دکتر تیمور قادری

ناشر: مهتاب

نوبت چاپ: اول - ۹۸

شابک: ۳-۰۵۳-۱۵۱-۶۰۰-۹۷۸

تیراژ: ۱۱۰ نسخه

قیمت: ۱۸۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۱. مقایسه مترجم	۵
۲. زمه، آنتوان چخوف	۹
۳. مردی در صندوق، آنتوان چخوف	۲۹
۴. آدم خرده پا، آنتوان چخوف	۵۱
۵. اقامت موقت، کاترین مندسفیلد	۵۷
۶. بی‌گناهی، سه آن اوفاتولین	۷۲

۱- مقدمه مترجم

در این شماره؛ داستانهای کوتاه، نامه و مردی در جعبه و چند داستان دیگر برگردان شده است. در این داستانها، آنتوان چخوف به چند زندگی پرداخته است. یکی به زندگی یک خادم کلیسا و دیگری به زندگی یک پدر روحانی و در نهایت هم به زندگی کشیشی که بر آن دو قیومت و برتری دارد. و در داستان مردی در جعبه، هم به زندگی یک معلم زبان یونانی در یک دبیرستان پسرانه، می‌پردازد.

همه این شخصیت‌ها در یک ویژگی با هم مشترک‌اند. و آن ویژگی، همانا سخت‌گیری و تنگ نظری است.

در داستان نامه، پدر آناستازی سخت‌گیرش در عرصه کلیسا به حالت تعلیق در می‌آید، چرا که به افرادی که به پیش می‌آمده‌اند، چندان چنگ و دندان نشان نمی‌داده؛ و با اینکه خودش زندگی دشواری دارد، آنهم با نه فرزند دختر و پسر؛ اما باز از انجام کار مردم باز نمی‌ماند. از خادم کلیسا، تنها گنااهش این است که فرزندش راه پدر را ادامه نداد؛ و بعد از پشت سرگذاشتن دوران دانشگاه به یک زندگی عادی روی آورد. است زندگی که هیچ عیب و نقصی ندارد؛ اما به کام پدر فیودور خوش نیامده است.

پدر آناستازی با همه مشکلات خود از خادم کلیسا می‌خواهد که سخت‌تر از سر فرزندش بردارد؛ و با او به مهربانی رفتار نماید؛ باشد که او به یک زندگی مذهبی‌تر بازگردد؛ و این کار تنها از خود خادم کلیسا، به عنوان پدر آن پسر، برمی‌آید؛ این در حالی است که پدر فیودور؛ از آن شماس می‌خواهد که نامه‌ای

پر شُداد و غِلَظ برای فرزندش بنویسد؛ و یکسره او را نهیب زده و بترساند. و باید که میان این دو، یکی را برگزیند.

در داستان کوتاه، "مردی در جعبه"، همین شخصیت تنگ‌نظر و سختگیر در ترصهٔ یک اداره دولتی، به عنوان یک معلم زبان یونانی، بروز و ظهور دارد. آنچه که او به عنوان حاصل عُمرش در خورجین دارد؛ نفرت دانش‌آموزان، همکاران است؛ هر کسی است که از همه چیز و همه کس، احساس ترس می‌کند، منروء است؛ حتی شب‌ها در تختی پرده کشیده، همچون یک جعبه یا صندوق می‌خوابد. از ترس بادی که وزیده و گهگاه به در و پنجره می‌کوبد، وحشت دارد. محافظه‌کار و محتاط است؛ از آن جهت که مبادا، اتفاقی کوچک روی می‌دهد؛ و خبر آن به گرس می‌ماتد بالاتر برسد. او را باید آقای مُبَادا نامید؛ مبادا که از این رُخداد چیزی به گوش رئیس دبیرستان برسد؛ مبادا که دوچرخه‌سواری پسران به جای باریکی بکشد؛ مبادا که ... وی حتی از ازدواج هم سرباز می‌زند؛ چرا که چنان زندگی در پیدانزوا و قرنطیه، برای خود ساخته؛ که زمانی هم که به مسئولیت‌ها و وظائفش بعد از ازدواج فکر می‌کند؛ به یکباره رنگ از رخسارش می‌پرد و به زیر قل و قار خود می‌زند. آدمی به یکباره به یاد این بیت حافظ می‌افتد که:

"گفت آسان‌گیر بر خود کارها کز روی طبع

سخت می‌گردد، جهان بر مردمان سخت کوش"

مسلماً، کسی که مردم از دیدنش بر خود بترسند و بلرزند؛ نمی‌تواند مُحبت و وفاداری کسان و همکاران را با خود داشته باشد.